

تحلیل ساخت‌های گفتمان مدار در سوره مریم (بر اساس الگوی ون لیون^۱)

(تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۲۷)

نویسنده مسئول: هدی یزدان^۲
سودابه مظفری^۳
علی اسودی^۴

سال دوم
شماره دوم
پیاپی: ۴
بهار و تابستان
۱۳۹۸

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی، یا همان شناسایی لایه‌های پنهان موجود در هر متنی، موجب درک بهتر آن متن می‌گردد. از آنجا که قرآن به عنوان یک کتاب آسمانی، برای هدایت بشر، بر پیامبر عظیم‌الشان اسلام، نازل شده است، اهمیت صحت ترجمه و تفسیر آن بر کسی پوشیده نیست. با درک همین اهمیت، می‌توان به جایگاه تحلیل گفتمان در این حوزه نیز پی برد. پژوهش حاضر، به روش توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر الگوی ساخت‌های گفتمان مدار «ون لیون»، تلاش کرده تا این الگوها را در سوره مبارک «مریم» مورد تحلیل و بررسی قرار بدهد. لیون، مجموع افرادی را که در یک رویداد حضور دارند، با عنوان کارگزاران اجتماعی معرفی می‌کند. الگوی ون لیون، شامل مؤلفه‌های گفتمان مداری نظیر حذف، اظهار، فعال‌سازی، منفعل‌سازی، تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، پیوند زدن، تفکیک کردن و ... می‌باشد. بسامد شیوه بازنمایی هر یک از کارگزاران اجتماعی موجود در سوره مریم، در قالب یک نمودار میله‌ای نمایش داده شده است. بررسی‌ها نشان داد که الگوی ون لیون، در تحلیل سوره مریم بسیار کارآمد است. علاوه بر آن، مشخص شد که از بین دو الگوی اظهار و حذف، بازنمایی کارگزاران اجتماعی، با شیوه اظهار، بسامد بالاتری دارد. گفتنی است که در میان انواع شیوه‌های بازنمایی برای اظهار کارگزاران اجتماعی، شیوه‌هایی بیش‌ترین بسامد را دارند که نسبت به شیوه مقابل خود از خاصیت نشان‌داری کم‌تری برخوردار باشند. همین موضوع، بیانگر آن است که در قرآن کریم، مکی بودن سوره مریم و سطح مخاطبان اولیه آن دوره زمانی، در انتخاب مناسب‌ترین شیوه بیان، با هدف تأثیرگذاری عمیق‌تر، در نظر گرفته شده است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، الگوی ون لیون، ساخت‌های گفتمان مدار، کارگزاران اجتماعی، سوره مریم.

1. Van Leeuwen.

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی تهران، دانشکده علوم انسانی (نویسنده مسئول)، yazdan.hoda@gmail.com

۳. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران، دانشکده علوم انسانی، soud42_moz@khu.ac.ir

۴. استادیار دانشگاه خوارزمی تهران، دانشکده علوم انسانی، asvadi@khu.ac.ir

۱- مقدمه

بی‌شک قرآن کتابی است برای هدایت بشر که از دیرباز، از دریچه علوم گوناگونی نظیر صرف و نحو، بلاغت، کلام، علوم تفسیری و... تلاش شده است تا معانی پنهان و آشکار آن بیان شود. با مرور زمان، مطالعات قرآنی گسترش یافت و در حوزه‌هایی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفت. در این عرصه، تحلیل گفتمان هم جای خود را در زبان‌شناسی باز کرد و در مطالعات قرآنی نیز، بسیار مهم ارزیابی شد؛ چراکه نتایج به دست آمده از تحلیل گفتمان، سبب می‌شود تا مترجمان و مفسران قرآنی، به زوایای پنهانی آیات دست یابند و به کمک آن به درک صحیح‌تر و روشن‌تری از معنا برسند.

هدف از تحلیل، در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، یافتن ناگفته‌های گوینده و نویسنده است. در حقیقت گفتمان، ناظر به بخش آشکار متون و بافت است و تحلیل گفتمان انتقادی، ناظر به ابزاری است که ما را در کشف ابعاد پوشیده گفتمان یاری می‌کند. این نظریه، رویکردی جامعه‌شناختی به مقوله زبان و ابزارهای زبانی دارد که در آن گفتمان، شامل سطوح و ابعاد متعددی می‌شود. الگوهای گوناگونی برای تعیین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و تحلیل متن وجود دارد که یکی از آن‌ها الگوی تحلیل گفتمان‌مدار «ون لیون» است. الگوی ون لیون، شامل مؤلفه‌های گفتمان‌مداری نظیر حذف، اظهار، فعال‌سازی، منفعل‌سازی، تشخیص‌بخشی، تشخیص‌زدایی، پیوند زدن، تفکیک کردن و... است که در آن مجموعه‌ای از افراد، به عنوان کارگزاران اجتماع در یک گفتمان مشارکت دارند.

پژوهش حاضر می‌کوشد تا با روش توصیفی - تحلیلی، در راستای یافتن روابط فرامتنی قرآن، به بررسی میزان صراحت و پوشیدگی نظام زبانی در سوره «مریم» پردازد و به پرسش‌های زیر پاسخ بدهد:

۱- میزان کاربرد، تحلیل گفتمان‌مدار در سوره «مریم» چقدر است؟

۲- هر یک از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار با چه هدفی بر کارگزاران اجتماعی اعمال شده‌اند؟

۳- عامل بالا بودن یا پایین بودن بسامد این مؤلفه‌ها چیست؟

پژوهش‌های متعددی با موضوع تحلیل گفتمان، در سوره‌های قرآنی صورت گرفته است که به چند نمونه اشاره می‌شود: ۱. سیدی و حامدی (۱۳۹۱)، با تحلیل بافت زبانی آیاتی که درباره قیامت نازل شده، به این نتیجه رسیده‌اند که گفتمان حاکم بر این آیات ناظر به انذار، بیداری غافلان و حتمی بودن وقوع قیامت بوده است. ۲. محمدرضایی و اکبرزاده (۱۳۹۲)، با تحلیل گفتمان آیات (۱۶-۳۲) از سوره مریم، دریافتند که موضوع عفاف، محور انسجام بخش عام و سازنده سازواره‌های زبانی و جهت‌دهنده کنش‌های گفتاری این آیات شمرده می‌شود. ۳. جرفی و محمدیان (۱۳۹۳)، سوره عبس را بر اساس نظریه گفتمانی فوکو بررسی

1. social actors.

کردند و به این نتیجه دست یافتند که کاربست این نظریه، در تحلیل سوره عبس، به شناخت بهتر عوامل مؤثر محیطی، در نزول این سوره منجر می‌شود و تأثیر آن عوامل را بر کنش‌های کلامی، پیوستار دستوری و معنایی آیات نمایان می‌کند. ۴. حسینی و رادمرد (۱۳۹۴)، با تحلیل کنش‌های گفتاری، در سوره‌های مکی و مدنی، دریافتند که سوره‌های مکی، در قالب کنش اظهاری، بیش‌تر ناظر به بیان معارف الهی و اسلامی هستند و سوره‌های مدنی، ناظر به کنش‌های گفتاری مربوط به امر و نهی و تشویق و انذار. ۵. پاکتچی و همکاران (۱۳۹۴)، پس از بررسی سوره قارعه، بر اساس تحلیل فرآیندهای گفتمانی، دریافتند که فرآیندهای گفتمانی این سوره، مطابق ساختار تنشی نزولی است و در راستای گسست گفتمانی پیش رفته است. ۶. یوسف‌آبادی و همکاران (۱۳۹۶)، با واکاوی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سوره قصص، با تکیه بر نظر «ون لیون»، به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفه‌های گفتمانی مبتنی بر اظهار، در مقایسه با مؤلفه‌های مبتنی بر پوشیدگی، از بسامد بالایی برخوردارند.

امتیاز پژوهش حاضر، نسبت به پژوهش‌های پیشین، در آن است که این مقاله، با تکیه بر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی، به دنبال تحلیل ساخت‌های گفتمان‌مدارانه در سوره مریم است تا از این طریق، با بررسی الگوی هر یک از این مؤلفه‌ها در قالب نمودار میله‌ای و تشخیص میزان بسامد این مؤلفه‌ها دریابد که سوره مبارک مریم، به عنوان یک سوره مکی، بیش از همه، از کدام یک از این مؤلفه‌های گفتمان‌مدار بهره گرفته است.

۲- چهارچوب نظری و تحلیل

همواره تحلیل متون، به ویژه متون ادبی و دینی کمک می‌کند تا مخاطب بهتر بتواند، لایه‌های پنهانی متن را نمایان ببیند. در همین راستا تحلیل گفتمان، یکی از راه‌های تحلیل متن شمرده می‌شود. تحلیل گفتمان، نه یک رویکرد واحد، بلکه مجموعه‌ای از رویکردهای میان‌رشته‌ای است که می‌توان از آن‌ها در انواع گوناگون مطالعات و به منظور کندوکاو در قلمروهای گوناگون اجتماعی استفاده کرد. (به نقل از یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۷)

تمام نظریه‌پردازان حوزه تحلیل گفتمان، کاربست اجتماعی زبان و عبور از صورت‌های زبان‌شناختی را مد نظر قرار داده‌اند، اما هر یک با توجه به حوزه فعالیت خود، تعریفی ارائه کرده‌اند: از نگاه ون دایک^۱، گفتمان شکلی از کاربرد زبان است؛ مثلاً در یک سخنرانی یا حتی به‌طور کلی‌تر، زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن (به نقل از میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۸۷)، او بر این باور است که نقش گفتمان تنها بیان ایدئولوژی نیست و گفتمان در بازتولید ایدئولوژی‌ها نقش اساسی دارد (van dyke, ۱۹۸۸: ۲۲)؛ در نظریه گفتمان لاکلو و موف، تعاملی دیالکتیکی میان گفتمان و چیزهای دیگر وجود ندارد: گفتمان سراسر جهان ما را می‌سازد (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۴۵)؛ تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، مفهوم گفتمان

1. Van Dyke

را برای متن، گفتگو و سایر **نظام‌های معنایی**^۱ به کار می‌گیرد (همان)؛ زیرا از نظر او، پدیده‌های زبان‌شناختی، پدیده‌هایی اجتماعی شمرده می‌شوند، به این صورت که کسانی که در شرایط زمانی و مکانی خاصی، از زبان استفاده می‌کنند، در واقع حقیقت زبان را تحت تأثیر قراردادهای اجتماعی حاکم بر جامعه به کار گرفته‌اند. (Fairclough, ۱۹۸۹: ۲۳) با توجه به این تعاریف، انواع تحلیل‌های گفتمانی را می‌توان در سه دسته طبقه‌بندی کرد:

تحلیل گفتمان ساختارگرا که در آن واحدهای بزرگ‌تر از جمله، فارغ از بافت و شرایط زمانی – مکانی و بیرونی متن مورد بررسی قرار می‌گیرد. (wodak, ۲۰۰۱: ۵)

تحلیل گفتمان نقش‌گرا که در آن مفهوم بافت که همان شرایط زمانی – مکانی است، در تحلیل گفتمان وارد می‌شود. (همان: ۷)

تحلیل گفتمان انتقادی که در آن بر نقش قدرت و ایدئولوژی به‌مثابه شرایط فرامتنی مؤثر بر تحلیل گفتمان تأکید می‌گردد. (همان: ۹)

الگوی گفتمان‌مدار ون لیون، از جمله نظریات گفتمان انتقادی است که با بسط و تلفیق نظریات دیگر جامعه‌شناسان توانسته است تأثیر گفتمان را در ساخت، تبدیل صورت و حفظ قدرت اجتماعی و جامعه اثبات کند. او در الگوی خود، یک نظام شبکه‌ای ارائه کرده که کارگزاران اجتماعی در آن بازنمایی می‌شوند و در همان جا اتحاد ممکن بین انواع گوناگون زبانی، جامعه‌شناسی زبان و خصوصیات گفتمانی آغاز می‌گردد. از نظر وی، نه تنها کارگزاران اجتماعی می‌توانند بازنمایی شوند، بلکه کنش‌های اجتماعی نیز، می‌توانند در همین شبکه نشان داده شوند. (مقداری و جهانگیری، ۱۳۹۴: ۱۲۶) لیون همچنین معتقد است که در مقایسه با بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناختی صرف، مطالعه جامعه‌شناختی – معنایی گفتمان، ابزار نیرومندی برای تحلیل متن شمرده می‌شود. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۴) او مجموع افرادی را که در یک رویداد حضور دارند، با عنوان کارگزاران اجتماعی معرفی می‌کند.

۱-۱- تحلیل ساخت‌های گفتمان‌مدار در سوره مبارک مریمدر هر گفتمانی با تکیه بر مبانی آن، می‌توان به روش مناسبی، برای تحلیل پدیده‌های اجتماعی دست یافت. در اینجا با تحلیل نظام زبانی سوره مبارک مریم، بر اساس الگوی ساخت‌های گفتمان‌مدار ون لیون، به اهداف به‌کارگیری هر یک از این ساخت‌ها اشاره خواهد شد. در این الگو، دو شاخه اصلی عبارت‌اند از: حذف و اظهار که هر کدام به نوبه خود دارای زیرشاخه‌های جزئی تری هستند.

۱-۱-۲ حذف^۲ مؤلفه حذف به این صورت تعریف می‌شود که «تعدادی از کارگزاران اجتماعی، در طی گفتمان بازنمایی نمی‌شوند.» (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۲) در الگوی ون

1. semiological systems
2. elusion

لیون، حذف آگاهانه^۱ است یا غیرآگاهانه^۲ و فرض بر این است که مخاطب، از هویت کارگزار محذوف، آگاه است و او را می‌شناسد. (همان) حذف آگاهانه «در پیوند با اهداف نویسنده و برای ایجاد تصور مورد نظر در مخاطب صورت می‌گیرد.» (مقداری و جهانگیری، ۱۳۹۴: ۱۲۷) و خود شامل دو نوع پنهان‌سازی^۳ و کمرنگ‌سازی^۴ می‌شود. پنهان‌سازی، «با حذف کامل کارگزار اجتماعی و فعالیت آن» (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۲) رو به رو است. در کمرنگ‌سازی، «با وجود حذف کارگزار از گفتمان، اثری از آن در متن بر جای می‌ماند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان به صورت تلویحی به حضور او پی برد.» (همان)

در سوره مبارک مریم، پنهان‌سازی یا همان حذف کامل کارگزار اجتماعی، ۹ بار رخ داده است، در این موارد حذف به قرینه حالیه صورت گرفته است؛ مانند:

﴿وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا﴾ (مریم/۳۳) و ﴿وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ (مریم/۶۰) و ﴿وَإِذَا تَنَالَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ...﴾ (مریم/۷۳)، چنان‌که در آیات بالا مشاهده می‌شود، در افعالی که با حروف توپُر نمایش داده شده‌اند، کارگزار اجتماعی به کلی حذف گردیده است. پدیده کمرنگ‌سازی یا حذف به قرینه لفظی، ۱۶۰ بار، در این سوره به کار رفته است؛ مانند:

﴿كَهَيْعِص﴾ (مریم/۱) طبق آنچه که در تفاسیر (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۴، ۲۳۰۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳، ۲۷۲؛ بحرانی، ۱۴۱۶: ۳، ۶۹۷) آمده، حروف مقطعه، هریک رمزی هستند که اشاره به معنای گسترده‌تری دارند. با این تعریف می‌توان حروف مقطعه را به نوعی پدیده کمرنگ‌سازی در نظر گرفت.

﴿بَا يَحْيَىٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا﴾ (مریم/۱۲) در این آیه، کارگزار فعل امر (خُذِ)، بنابر قرینه لفظی (یحیی)، در کلام ظاهر نشده و به اصطلاح شاهد کمرنگ‌سازی این کارگزار هستیم. ﴿فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا﴾ (مریم/۱۷) در فعل (اتخذت)، کارگزار محذوف، به قرینه لفظی که در آیات پیشین آمده، حضرت مریم (س) است و در فعل (تمثل) نیز، کارگزار محذوف، با توجه به قرینه لفظی، همان جبرائیل است که برای مریم (س) به صورت انسانی خوش‌سیما ظاهر شد.

۲-۱-۲- اظهار^۵ از نگاه لیون، اظهار کارگزاران اجتماعی به این صورت است: هرگاه کارگزاران اجتماعی، آشکارا در گفتمان حضور یابند، پدیده اظهار رخ می‌دهد. (VanLeeuwen, ۲۰۰۸: ۳۴) او پدیده اظهار را به سه شیوه تعیین نقش، تعیین نوع اشاره و تعیین ماهیت توصیف می‌کند.

1. purposely
2. innocent
3. suppression
4. back grounding
5. inclusion.

۱-۲-۱-۲- تعیین نقش^۱ نقش‌هایی که در تصویرسازی به کارگزار داده می‌شود، به منظور تعیین کارگزار^۲ و یا پذیرنده عمل^۳ است. (همان) تعیین نقش به دو صورت فعال‌سازی^۴ و منفعل‌سازی^۵ صورت می‌گیرد. در فعال‌سازی، کارگزار اجتماعی، به عنوان نیرویی فعال و اثرگذار معرفی می‌شود. (همان) در منفعل‌سازی، کارگزار اجتماعی به گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی عمل را به اجبار پذیرفته و به آن تن در داده است. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۵) در سوره مبارک مریم، ۲۹ بار پدیده فعال‌سازی دیده می‌شود؛ مانند:

﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبَّ شَقِيًّا﴾ (مریم/۴) در اینجا دو کارگزار «العظم، الرأس» به عنوان کارگزارهای فعال ذکر شده‌اند.

﴿يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا﴾ (مریم/۴۵) در این آیه، کارگزار «عذاب»، به عنوان کارگزار فعالی ذکر گردیده که بدن شخص را لمس می‌کند.

منفعل‌سازی، خود شامل دو دسته می‌شود: تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم. در تأثیرپذیری مستقیم، کارگزار به طور مستقیم به کاری گمارده می‌شود، اما در نوع تأثیرپذیری غیرمستقیم، کارگزار به صورت غیرمستقیم، نتیجه عمل را دریافت می‌کند. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۵) در سوره مبارک مریم، ۱۲۲ مرتبه، پدیده منفعل‌سازی مستقیم مشاهده می‌شود؛ مانند:

﴿إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا﴾ (مریم/۳) در این آیه، (رَبّه) کارگزاری است که منفعل شده، زکریا پروردگارش را خوانده، بنابراین پروردگارش را به صورت مستقیم صدا زده است.

﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا﴾ (مریم/۸۵) در این آیه، خداوند پرهیزگاران را به صورت مستقیم، تحت تأثیر فعل (نحشر) قرار داده است.

اما پدیده منفعل‌سازی غیرمستقیم، ۴۶ مرتبه وارد شده است؛ مانند:

﴿يَرْتُدُّنَّ وَيُرْتَدُّنَّ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا﴾ (مریم/۶) زکریای نبی(ع) در دعایش، فرزند خویش را به طور مستقیم وارث خود و به صورت غیرمستقیم، وارث (آل یعقوب) توصیف کرده است.

﴿ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا﴾ (مریم/۷۰) در این آیه، کارگزار «الذین» به واسطه حرف جر، تحت تأثیر «أعلم» است.

۱-۲-۲- تعیین نوع اشاره^۶ تعیین نوع اشاره با بازنمایی کارگزار اجتماعی، در مقام انسان و با کمک مواردی که دارای مشخصه‌های انسانی هستند، صورت می‌گیرد، یا در مقام غیرانسان

1. role allocation.
2. agent.
3. patient.
4. activation.
5. passivation.
6. reference allocation.

و به کمک مواردی که در بردارنده مشخصه‌های غیرانسانی هستند. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۶) که به نوع اول، تشخیص‌بخشی و به نوع دوم، تشخیص‌زدایی می‌گویند.

۱-۲-۲-۱-۲- تشخیص‌بخشی^۱ شامل دو دسته است: نامشخص‌سازی^۲ و مشخص‌سازی^۳؛ (در صورتی که هویت کارگزاران اجتماعی مشخص نشود و به صورت افرادی ناشناس معرفی بشوند، از شیوه نامشخص‌سازی استفاده شده است.) (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۷) در سوره مبارک مریم، ۲۹ مورد نامشخص‌سازی وجود دارد، در این شیوه، یا کارگزاران به شکل مبهم بازنمایی می‌شوند یا اینکه به همراه واژگان مبهمی چون کل، بعض، قوم، جماعه، طایفه، عدد و... به کار می‌رود؛ مانند:

﴿جَنَاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا﴾ (مریم/۶۱) در این آیه، کارگزار «جَنَاتِ»، ابتدا به صورت نامشخص و مبهم وارد شده و سپس ویژگی‌های آن مطرح گردیده است.

﴿ثُمَّ لَنَنْزَعَنَّ مِنْ كُلِّ شَيْعَةٍ أُمَّةً أَشَدَّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا﴾ (مریم/۶۹) هویت دو کارگزار «شیعه» و «هم»، با اضافه شدن به اسم مبهم «کل و ای»، نامشخص ذکر شده است.

حال اگر هویت کارگزاران اجتماعی، به شیوه‌ای بارز بیان شود، از روش مشخص‌سازی استفاده شده است. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۷) لیون مشخص‌سازی را در چهار نوع پیوند، تفکیک، نام‌دهی - طبقه‌بندی و چند موردی می‌داند.

الف) پیوند: در این فرآیند، کارگزاران اجتماعی تشخیص‌دار، به شکل گروه‌هایی بازنمایی می‌شوند که درباره یک فعالیت، از نقطه‌نظر واحدی برخوردارند یا اینکه عمل واحدی را انجام می‌دهند. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۷) در سوره مبارک مریم، ۲۳ مرتبه از این روش برای نشان دادن کارگزاران اجتماعی بهره گرفته شده است؛ مانند:

﴿وَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا﴾ (مریم/۴۹)، دو کارگزار «اسحاق، یعقوب»، هر دو در اینکه فرزندان ابراهیم هستند، اشتراک دارند. حال آنکه اسحاق، پسر ابراهیم بود و یعقوب، پسر اسحاق؛ اما در آیه این‌گونه که مطرح شده هر دو فرزند ابراهیم بوده‌اند؛ زیرا اسحاق در زمان حیات ابراهیم به دنیا آمد و در خانه و آغوش او بزرگ شد، گویی که پسر حقیقی ابراهیم بوده است. (سید بن قطب، ۱۴۱۲: ۴، ۲۳۱۲)

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا﴾ (مریم/۶۰)؛ تمام کسانی که توبه کنند و اهل ایمان و عمل صالح باشند، در ورود به بهشت با هم اشتراک دارند.

1. personification.
 2. indetermination.
 3. determination.
 4. association.

ب) **تفکیک**^۱: در این فرآیند، یک فرد یا یک گروه اجتماعی، از افراد و گروه‌های مشابه تفکیک می‌شود و به عبارتی دیگر، گروه خودی و غیرخودی تشکیل می‌شود. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۷) به‌طور کلی در سوره مبارک مریم، ۲ مرتبه از این روش استفاده شده است. در این روش با استفاده از واژگان جداکننده‌ای نظیر لکن، بل، اما، ضدّ و ... در کنار کارگزاری که از صف سایر کارگزاران متمایز می‌شود، بازنمایی صورت می‌گیرد؛ مانند:

﴿أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (مریم/۳۸) در این آیه، صف ظالمان و ستمکاران از صف سایر کسانی که وارد محشر می‌شوند، متمایز شده است.

ج) **نام‌دهی**^۲ و **طبقه‌بندی**^۳: در صورتی که کارگزار اجتماعی، با توجه به هویت منحصر به فرد خود، بازنمایی بشود، می‌گوییم که شیوه نام‌دهی به کار رفته است، اما اگر بازنمایی آن با توجه به هویت جمعی و نقش‌هایی که در آن با سایر کارگزاران سهیم است، صورت پذیرد، می‌گوییم که شیوه طبقه‌بندی به کار گرفته شده است. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۸) نام‌دهی خود عنوان‌دهی (مقام‌دهی، نسبت‌دهی) را نیز دربرمی‌گیرد. در نام‌دهی، اسم علم کارگزار بیان می‌شود. در عنوان‌دهی، عناوین و القاب کارگزار مطرح می‌گردد. در سوره مبارک مریم، ۴۰ مرتبه از شیوه نام‌دهی و ۲۲ مرتبه از شیوه عنوان‌دهی استفاده شده است؛ مانند:

﴿وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا﴾ (مریم/۵۳) کارگزار «هارون» با شیوه نام‌دهی بازنمایی شده و در آیه زیر:

﴿رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا﴾ (مریم/۶۵)؛ کارگزار «رَبّ» با شیوه عنوان‌دهی بازنمایی شده است.

در طبقه‌بندی، به جای ذکر هویت فردی، کارگزار اجتماعی در قالب طبقه خاصی که برخاسته از نقش‌ها و هویت مشترک است، بازنمایی می‌شود. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۹) لیون، فرآیند طبقه‌بندی را در سه شاخه نقش‌دهی، هویت‌دهی و ارزش‌دهی جای می‌دهد.

– **نقش‌دهی**^۴: «در این شیوه، بازنمایی کارگزار اجتماعی، بر اساس فعالیتی است که انجام می‌دهد.» (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۹) در این سوره، ۱۵ مرتبه از شیوه نقش‌دهی برای بازنمایی کارگزاران اجتماعی بهره گرفته شده است؛ مانند ﴿قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا﴾ (مریم/۱۹) در این آیه، کارگزار (رسول) با نقش رسالت و پیامبری بازنمایی شده است.

– **هویت‌دهی**^۵: در این روش، ذات و هویت کارگزار اجتماعی مطرح است و نه نقش آن.

(Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۴۰) این شیوه خود نیز، شامل سه دسته است:

1. differentiation.
2. nomination.
3. categorization.
4. functionalization.
5. identification.

- ۱- هویت‌دهی طبقه‌ای^۱ که بر اساس قومیت، جنسیت، زبان، فرهنگ و مذهب طبقه‌بندی می‌شود.
- ۲- هویت‌دهی نسبتی^۲ که بر اساس روابط خویشاوندی و دوستانه طبقه‌بندی می‌شود.
- ۳- هویت‌دهی ظاهری^۳ که در آن کارگزار بر اساس وضع ظاهری و خصوصیات جسمی بازنمایی می‌شود. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۴۰)

در سوره مبارک مریم، ۱۷ مرتبه از شیوه هویت‌دهی طبقه‌بندی، ۷ مرتبه از شیوه هویت‌دهی نسبتی و ۳۵ مرتبه از شیوه هویت‌دهی ظاهری استفاده شده است؛ مانند:

﴿وَنُوحٍ الْمَجْرَمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ وَرِدًّا﴾ (مریم/۸۶) در این آیه، کارگزار (المجرمین) با نقش جنایت‌کار بودن طبقه‌بندی گردیده و در آیه

﴿يَا أُخْتُ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأًا سَوْءًا وَمَا كَانَتْ أُمُّكَ بَغِيًّا﴾ (مریم/۲۸) کارگزار (اخت هارون) به صورت هویت‌دهی نسبتی بازنمایی شده و در آیه بعدی

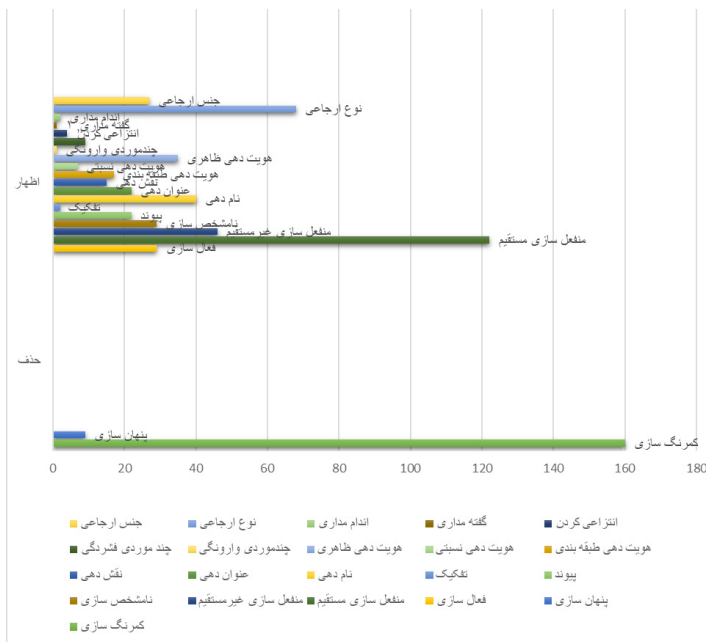
﴿إِذَا تَتَلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ (مریم/۵۸)، حالت سجده و گریان بودن، بیانگر هویت‌دهی ظاهری کارگزار اجتماعی است.

– ارزش‌دهی^۴: «در این شیوه، بازنمایی کارگزار اجتماعی، از طریق اصطلاحات تقابلی صورت می‌گیرد که بار معنایی مثبت یا منفی دارند.» (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۴۰) نمونه‌ای برای این مورد یافت نشد.

د) چند موردی: کارگزاران اجتماعی، در آن واحد، می‌توانند دربردارنده یک یا چند نقش اجتماعی باشند، اگر کارگزار تنها از یک نقش اجتماعی برخوردار باشد، مشخص‌سازی از نوع تک‌موردی است و اگر کارگزار بیش از یک نقش اجتماعی را ایفا بکند، مشخص‌سازی از نوع چند موردی خواهد بود. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۴۰) نقش‌های چند موردی کارگزار اجتماعی، یا در تضاد با یکدیگرند که به آن چند موردی وارونگی^۵ می‌گویند، یا اینکه تخیلی هستند که به آن نمادین‌شدگی^۶ می‌گویند، یا جدای از نقش اصلی، دربردارنده نقش ضمنی هم هستند که به آن دلالت ضمنی^۷ می‌گویند و یا نقش انتزاعی دارند به گونه‌ای که صفتی خاص از گروهی از کارگزاران گرفته می‌شود و سپس به هر یک از افراد آن گروه اطلاق می‌گردد، به مورد اخیر چند موردی فشرده‌گی^۸ می‌گویند. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۴۱) در سوره مبارک مریم، نمونه‌ای برای دلالت ضمنی و نمادین‌شدگی یافت نشد. تنها یک مرتبه از شیوه چند

1. classification.
2. relational identification.
3. physical identification.
4. appraisement.
5. differentiation.
6. inversion differentiation.
7. symbolic differentiation.
8. connotation differentiation.
9. compression differentiation.

نوع اشاره و تعیین ماهیت تقسیم می‌شود. اگر کارگزار اجتماعی به شکل عام (جنس) یا خاص (نوع) بازنمایی شود، می‌گویند که از شیوه تعیین ماهیت بهره گرفته شده است. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۷) تعیین ماهیت به دو شاخه جنس ارجاعی ۱ و نوع ارجاعی ۲ تقسیم می‌شود. جنس ارجاعی، عبارت‌اند از اینکه کارگزار اجتماعی، بر یک امر عام دلالت داشته باشد. (همان) حال مقصود از نوع ارجاعی، این است که کارگزار بر امری خاص یا گروه خاصی دلالت کند. (Van Leeuwen, ۲۰۰۸: ۳۷) در سوره مبارک مریم، ۲۷ مرتبه از شیوه جنس ارجاعی بهره گرفته شده و ۶۸ مرتبه از شیوه نوع ارجاعی. ﴿وَقَالَ الْإِنْسَانُ إِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا﴾ (مریم/۶۶) و ﴿كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا﴾ (مریم/۷۹) در این دو آیه، «انسان و عذاب»، ماهیت عام کارگزار اجتماعی را بازنمایی می‌کنند. بنابراین نمونه‌ای از کاربرد شیوه جنس ارجاعی شمرده می‌شوند. ﴿يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وَرِثًا﴾ (مریم/۸۵-۸۶) در این دو آیه، نمونه‌ای از کاربرد نوع ارجاعی قابل مشاهده است، در این دو مورد کارگزار بر گروهی خاص چون گروه پرهیزگاران و مجرمان دلالت دارد.



(نمودار ۱: مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سوره مبارکه مریم)

1. genericisation.
2. specification.

نتیجه‌گیری:

پس از بررسی سوره مبارک مریم و تطبیق ساخت‌های گفتمان‌مدار، می‌توان گفت که در این سوره، اظهار کارگزاران اجتماعی، نسبت به حذف آن‌ها از بسامد بالاتری برخوردار است. در مجموع، پدیده اظهار با بسامد ۴۹۸، نسبت به پدیده حذف، با بسامد ۱۶۹، در ردیف بالاتری قرار می‌گیرد.

برخی از پدیده‌هایی که ون لیون به آن اشاره کرده، در سوره مریم، قابل تطبیق نبود؛ مانند پدیده چند موردی نمادین شدگی، دلالت ضمنی و پدیده مکان‌مداری، ابزارمداری و پدیده ارزش‌دهی. با این حال می‌توان گفت که تحلیل ساخت‌های گفتمان‌مدار لیون، در این سوره کارایی دارد.

در حذف کارگزاران اجتماعی نیز، از میان دو پدیده کمرنگ‌سازی و پنهان‌سازی، پدیده کمرنگ‌سازی که بی‌نشان‌تر است، بسامد بیش‌تری دارد. در اظهار کارگزاران اجتماعی، از میان منفعل‌سازی مستقیم و غیرمستقیم، پدیده منفعل‌سازی مستقیم که بی‌نشان‌تر از نوع غیرمستقیم خود شمرده می‌شود، بسامد بالاتری دارد. به همین ترتیب، از بین دو پدیده پیوند و تفکیک، بسامد پیوند بیش‌تر است. از بین نام‌دهی و عنوان‌دهی و نقش‌دهی، پدیده نام‌دهی بالاترین آمار را دارد. از بین هویت‌دهی طبقه‌بندی، ظاهری و نسبتی، پدیده هویت‌دهی ظاهری بسامد بالاتری دارد. از بین چند موردی فشرده‌گی و وارونگی، چند موردی فشرده‌گی بیش‌تر دیده شده است. از بین دو پدیده جنس‌ارجاعی و نوع‌ارجاعی، پدیده نوع‌ارجاعی بسامد بیش‌تری را به خود اختصاص داده است.

در تمام این مواردی که ذکر شد، پدیده‌ای که نشان‌داری بیش‌تری داشته، با بسامد کمتری در آیات به کار رفته است؛ به بیان دیگر رابطه نشان‌داری این پدیده‌ها با بسامد تکرار آن‌ها، رابطه‌ای معکوس می‌باشد. از آنجا که سوره مبارک مریم، یک سوره مکی شمرده می‌شود، متناسب با اقتضای حال مخاطب خود، به منظور تأثیربخشی عمیق‌تر، از پدیده اظهار و کاربرد پدیده‌هایی که بی‌نشان‌تر هستند، بیش‌تر بهره گرفته است.

کتابنامه

- قرآن کریم.
- بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶: *البرهان فی تفسیر القرآن*، تحقیق قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، تهران: بنیاد بعثت.
- پاکتچی، احمد و شعیری، حمیدرضا و رهنما، هادی، ۱۳۹۴: «تحلیل فرآیندهای گفتمانی در سوره «قارعه» با تکیه بر نشانه‌شناسی تشبیعی»، دو ماهنامه جستارهای زبانی، ۶، ش ۴ (پیاپی ۲۵)، مهر و آبان، صص ۶۸-۳۹.
- جرفی، محمد و محمدیان، عباد، ۱۳۹۳: «بررسی سوره عبس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو»، دانشگاه اراک، پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال دوم، شماره ۲، صص ۲۶-۹.
- حسینی معصوم، سید محمد و رادمرد، عبدالله، ۱۳۹۴: «تأثیر بافت زمانی - مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛

- مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتار در سوره‌های مکی و مدنی قرآن کریم»، جستارهای زبانی، مرداد و شهریور، شماره ۲۴، صص ۹۲-۶۵.
- سادات مقدادی، صدیقه و جهانگیری، شکوفه، ۱۳۹۴: «تحلیل گفتمان انتقادی شعر دفاع مقدس برای کودکان از منظر رهیافت ون لیون»، دانشگاه علامه طباطبائی، متن پژوهی ادبی، سال ۱۹، شماره ۶۵، صص ۱۶۰-۱۲۲.
- سید بن قطب، ابن ابراهیم شاذلی، ۱۴۱۲: فی ظلال القرآن، بیروت: دار الشروق، ط ۱۷.
- سیدی، سید حسین و حامدی شیروان، زهرا، ۱۳۹۱: «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، دوره ۱۸، شماره ۷۱، پاییز، صص: ۲۱-۴.
- عرب یوسف‌آبادی، عبدالباسط و برآبادی، الیاس و میرزاده، طاهره، ۱۳۹۶: «بررسی ساخت‌های گفتمان‌مدار سوره قصص بر اساس الگوی ون لیون»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های ادبی - قرآنی، سال پنجم، شماره سوم، پاییز، صص: ۶۲-۴۱.
- فیض کاشانی، ملامحسن، ۱۴۱۵: تفسیر الصافی، تحقیق حسین اعلمی، تهران: انتشارات صدر، چاپ دوم.
- محمدرضایی، علیرضا و اکبری زاده، فاطمه، ۱۳۹۲: «گفتمان سوره مریم، زن در تعامل با عرف و عفاف»، فلسفه دین، دوره دهم، شماره ۳، پاییز، صص ۵۰-۲۵.
- میرفخرایی، تژا، ۱۳۸۳: فرآیند گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز، ۱۳۸۹: نظریه و روش در تحلیل گفتمان، تهران: نشر نی.
- Fairclough, Norman, 1989: Language and power, London: Longman.
- Van Dike, Teun, 1998: Opinions and Ideologies in the press", in Approaches to Media Discourse, (ed.) by Bell, A. and peter Garrett, oxford: Blackwell, 21-63.
- Van Leeuwen, Theo, 2008: Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis. Oxford University Press.
- Wodak, Ruth & Mayer, Michael, 2001: Methods of Critical Discourse Analysis. London: SAGE Publicatio.